

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۴۰ - ۲۲۳

## معنا و هدف زندگی در افق اندیشه مدرنیته و نقد آن بر اساس مبانی قرآنی

سید محمد نوراللهی<sup>۱</sup>

محمد رضایی اصفهانی<sup>۲</sup>

محمود قیومزاده<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش عبارت است از یک بررسی تطبیقی میان اهداف سبک زندگی قرآنی و مدرنیته است که تمایز آن دو را مشخص می کند و نتایج و پیامدها و فواید و ثمره هر کدام را مورد کاوش قرار می دهد تا مشعل هدایت گری برای هر پرسشگر و جوینده حقیقت باشد. به این منظور با تأکید بر روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای و رویکرد علمی - دینی به مطالعه آموزه های قرآن کریم و دیدگاه های اندیشمندان مدرنیته پرداختیم. دستاورد اصلی این تحقیق این است که با بیان تفاوت های عمده بین اهداف آن دو کارآمدی و نتایج را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم تا هر پویشگر بتواند با آگاهی بیشتر و راحت تر انتخاب کند و راه را بیاماید و به زندگی جاودانه دست یابد.

### واژگان کلیدی

سبک زندگی، قرآن، مدرنیته، اهداف.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Email: s.m.noorollahi1340@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Rezaee.quran@gmail.com

۳. استاد گروه معارف اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: maarefteacher@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۹ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۳/۳

## طرح مسأله

در قرن هفتم میلادی، آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی و الهی برای هدایت انسان‌ها فرو فرستاده شد و اصول و بهترین شاخصه‌های سبک زندگی و تمدن بشری را در همه حوزه‌های فردی، اجتماعی، ملی، فرهنگی، علمی، دنیوی و اخروی را به انسان‌ها هدیه کرد و راه رستگاری را عرضه نمود.

از حدود قرن پانزدهم میلادی به بعد که اوج آن بعد از رنسانس مشاهده می‌شود، نوعی از سبک زندگی در جوامع غربی سامان گرفت که برگرفته از جهان‌بینی مادی و جریان مدرنیته است و به جهت ترویج گسترده آن با فیلم و اینترنت و شبکه‌ها و ماهواره‌ها، در حال سرایت به همه نقطه جهان است. از آنجا که ماهیت و سرشت این نوع از سبک زندگی، به طور کامل، سکولار، لیبرال و اومانیزم است، با سبک زندگی قرانی، در سطوح مختلف، تفاوت‌های عمده‌ای دارد. بعضی از مؤلفه‌های مدرنیته عبارتند از: «عقل‌گرایی سکولار»، «فردگرایی» توجه به ارزش‌های فردی»، «عینی‌گرایی مادی»، «اندیشه پیشرفت مادی» و به اصطلاح کلی‌تر، «اومانیزم» و انسان‌محوری است. (کاویانی، ۱۳۹۶) سؤال اصلی این پژوهش، این است که تمایزات اصلی میان این دو سبک زندگی در قسمت اهداف زندگی، چیست؟ و برای رسیدن به اهداف هر دو سبک زندگی نیاز به توضیح مؤلفه‌ها و شاخص‌های هر دو سبک زندگی داریم تا زمینه درک فهم هدف از سبک زندگی مشخص گردد.

مدرنیته (modernity) در زبان فارسی معادل واژه «تجدد» به کار می‌رود و در اصطلاح به «شیوه زندگی جدید و امروزی» می‌گویند. به طور خلاصه مدرنیته یعنی: «مجموعه اوصاف و خصایص تمدن جدیدی که در طی چند قرن اخیر در اروپا و آمریکای شمالی به وجود آمده است». براین اساس مدرنیته، به عقیده مارکس فرآیندی است که در آن عقلانیت ابزاری بر تمام شئون جامعه سیطره می‌اندازد و به تبع آن سنت‌ها از جامعه زدوده می‌شود. (بیات، ۱۳۸۶، صفحه ۵۶۵، چاپ سوم)

بر اساس انسان‌محوری و پیشرفت‌های مادی است و محدود به زندگی دنیاست و در

مورد نظرات و احکام دینی اولویت و برتری را به انسان محوری و خواسته‌های انسانی می‌دهد. و مؤلفه‌های آن بر اساس باورهای بشری است.

### تعریف معنای زندگی

آنانکه زندگی را فقط در دنیا ترسیم کرده اند و زندگی و طول عمر را از زمان تولد تا مرگ می‌دانند کارها و قوانین زندگی را در این محدوده بیان می‌کنند و حوادث ناگوار هم پدید می‌آورند. اما زندگی در اسلام با مرگ پایان نمی‌پذیرد و در بعد تکامل روحی و جسمی است و انسان می‌تواند از فرشتگان فراتر رود و جانشین خدا در زمین باشد (بقره ۳۰) و اگر دستورات الهی و معنویت را از دست دهد از جایگاه خود فرو می‌افتد و در دام تمایلات و لذت‌های مادی گرفتار می‌شود نجم ۹- اعراف ۱۷۶

### تعریف هدف زندگی

مهم‌ترین قسمت زندگی را هدف تشکیل می‌دهد و اهداف مادی که انسان کار بکند و به لذات دنیوی برسد، آرزوی سلامتی کند و آن لذت‌ها را تا پایان عمرش ادامه دهد، احساس بی‌معنایی و بی‌هدفی می‌کند.

همین احساس پوچی که در واقع، ناشی از فراموشی خدا به‌عنوان مبدأ و مقصد زندگی است، سبب شده انسان کنونی هنگامی که پایان زندگی می‌اندیشد آینده را تاریک و مبهم ببیند و از آن هراسان گردد. حال آنکه قرآن و دین با فراهم نمودن یک نظام فکری و عقیدتی منسجم در چارچوب مبدأ و معاد و سایر عقاید، واقعیت‌های زندگی را برای انسان ارزشمند کرده و باعث می‌شود که فرد احساس هدفمندی و معنادگی در این جهان داشته باشد.

حیات مادی این دنیا نمی‌تواند ایده‌آل تلقی شود و در عین جاذبه داشته حقیقتی ابتدایی است، نه متعالی و واقعی. زندگی در این جهان‌بینی مادی متاعی فریبنده، لغو و بیهوده می‌گردد و در آیات قرآن از جمله توبه / ۳۸، رعد / ۲۶، عنکبوت / ۶۴، محمد / ۳۶ زندگی دنیا بازی، لهو و لعب و متاع اندک بیان شده است و حال آنکه دنیا وسیله رسیدن به زندگی حقیقی و ابدی در جوار رحمت حق می‌باشد.

## سبک زندگی

سبک زندگی امروزه به قدری گسترده است که بیان یک تعریف عملیاتی دقیق و مورد پذیرش همگان، برای تعیین ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های آن بسیار دشوار است؛ از این رو، دانشمندان مختلف علوم هر کدام تلاش کرده‌اند تعریفی را بیان کنند که خود پذیرفته‌اند؛ برای نمونه، پاره‌ای سبک زندگی را به الگوهای کنش تعریف کرده‌اند که تمیز دهنده افراد جامعه از یکدیگر؛ (Cf: Chanut, The cultural Turn, p.4.) یا مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و معنی دار افراد جامعه است. (Sobel, (1981), Life style (Expenditure in comtemp porary American, p.

از مجموع تعریف‌های سبک زندگی می‌توان در یک جمع بندی گفت: سبک زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌هاست که در بیشتر مواقع در میان یک گروه ظهور می‌کند و شماری از افراد، صاحب یک نوع سبک زندگی مشترک می‌شوند. در سبک‌های زندگی، رهیافت‌هایی که ارزش‌ها، تلقی‌ها، سلیقه‌ها و ..... به دست آمده است، در قالب زندگی نمایان می‌شود: از طرز پوشش، غذای مورد علاقه، و طرز آراستن، تا معماری، دکوراسیون، تزئین خانه و ..... (کافی، مجید، ۱۳۹۷، ص ۱۲)

## سبک زندگی از نظر مدرنیته

به طور کلی می‌توان سبک زندگی از نظر دانشمندان علوم اجتماعی شامل موارد زیر دانست:

۱. الگوهای مصرفی و نمادهای منزلتی: مسکن و املاک، اتومبیل، تلفن همراه، تزئینات و دکوراسیون، پوشش ظاهری.
۲. الگوهای رفتاری: طرز گذران اوقات فراغت، تفریحات و ورزش، نوع بیان و لهجه، لحن و گفتار، طرز آرایش و پیرایش ظاهر.
۳. نمادهای فرهنگی: نمادهای بومی-محلی، نمادهای ملی، نمادهای فراملی و جهانی، نمادهای سنتی، نمادهای مدرن.
۴. نقش‌های اجتماعی: نقش‌های مبتنی بر روابط شغلی و حرفه‌ای، نقش‌های شخصی،

نقش‌های اجتماعی، نقش‌های خانوادگی و خویشاوندی.

۵. ارزش‌های اجتماعی: جمع‌گرایی و فردگرایی، آینده‌نگری و گذشته‌گرایی، کار و تلاش فردی و جمعی، تقسیم کار، تخصص‌گرایی، ثروت و دارایی، امنیت و آسایش، معنویت‌گرایی، دنیاگرایی، قدرت‌مداری، خوشبختی و سعادت، حرمت و احترام و قانون‌گرایی. (نیازی و کارکنان نصرآبادی ۱۳۹۲ ص ۱۸۵)

### تفاوت مدرنیته و مدرنیسم

میان مدرنیته و مدرنیسم تفاوت وجود دارد. مدرنیسم در معنای کلی به معنی نوسازی، پیشرفت و توسعه است. نوعی ایدئولوژی است که در پی جایگزین کردن نو به جای کهنه است. و نو و مدرن را برتر از کهنه می‌داند. مدرنیسم اعراض و نمود بیرونی تفکر مدرن است.

به بیانی دقیق‌تر مدرنیسم شکل بیرونی مدرنیته و مدرنیته هویت و روح مدرنیسم است. در ترجمه فارسی مدرنیته از واژه‌هایی چون تجدد، نو اندیشی، امروزیگی و... استفاده می‌شود و مدرنیسم را به تجدد‌گرایی، نوگرایی و نوسازی ترجمه کرده‌اند. (جابری مقدم، ۱۳۸۴)

### اهداف مدرنیته

#### الف) توسعه رفاه

«سودگرایی» یا توسعه رفاه، مهم‌ترین هدف نهایی جریان تجدد در مغرب زمین است و اهداف فرعی همچون، تسخیر طبیعت و آزادی انسان برای تحقق آن معنا می‌یابند؛ زیرا تنها در صورت آزادی انسان از هر قیدی و در اختیار گرفتن طبیعت می‌توان به سود یا رفاه بیشتر دست یافت. در قرن نوزدهم، نفوذ اندیشه «سودگرایی»، سبب تأکید ویژه بر فرد شد، به این عنوان که فرد تنها محل آزمون است و برآوردن خواست‌های او، تنها معیار سودمندی و خرسندی است. بنابراین، مهم‌ترین هدف ویژگی مدرنیته، سودجویی برای توسعه رفاه است.

## ب) آزادی انسان

دومین هدف مدرنیته، در راستای تحقق هدف پیشین (توسعه رفاه)، افزایش آزادی فردی انسان در جامعه است. مدرنیته در پی دست یافتن به آزادی انسان از هرگونه قید و شرط است؛ یعنی انسان مدرن برای رسیدن به توسعه رفاه و خواسته‌های نفسانی خود، نباید هیچ‌گونه کنترل یا منعی داشته باشد و تنها با آزادی نامحدود است که می‌تواند از تمامی لذت‌های دنیایی بهره‌مند شود. همین هدف مدرنیته، به شکل‌گیری اساسی‌ترین اصل آن؛ یعنی اومانیسم (انسان‌محوری) انجامید؛ زیرا لازمه خدامحوری، اجرای تکالیف و حقوقی الهی است که انسان باید آنها را رعایت کند و این؛ یعنی محدود کردن اختیار آدمی.

## ج) تسخیر طبیعت

سومین هدف مدرنیته در صورت بندی خود، تسخیر طبیعت به سود انسان است. توسعه رفاه و لذت جویی از دنیا، نیازمند ابزاری برای سرعت بخشیدن و متنوع شدن این رفاه و لذت جویی بود. انقلاب صنعتی و شکل‌گیری تکنولوژی مدرن، تجسم این تفکر به شمار می‌رود. در واقع، تکنولوژی جدید که از اواخر قرن هجدهم میلادی با انقلاب صنعتی پدید آمد، نمایانگر نسبت تکنیکی و سلطه جویانه بشر مدرن در برابر هستی بود. از این پس، دیگر هدف علم، شناخت طبیعت نبود، بلکه علم با سلطه‌گرایی تمام در پی تسخیر همه بهره‌های طبیعت به سود لذت‌خواهی بشر مدرن بود. (جمالی، ۱۳۸۴)

## اصول و مؤلفه‌های مدرنیته

مدرنیته دارای اصول و پایه‌هایی است که در ذیل به طور خلاصه به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مبنای معرفت‌شناسی: مکتبی که معتقد است حس و عقل برای آدمی بس است و ما حاجتی به وحی، دین و شریعت نداریم. و عقل آفریدگار خود است، و هم آفریدگار خدا. مدرنیته به دنبال عقلی است که رازستیز و راززدا است و هر مسئله رازآلودی را که در دین آمده، کنار می‌گذارد و لذا در دوران مدرنیته، شهودگرایی و عرفان‌تنزل می‌یابد و عقل حس‌گرایی به اوج شکوفایی خود می‌رسد.

۲. اومانیسیم و انسان‌محوری: اومانیسیم بدین معناست که غایت همه چیز انسان است. اومانیسیم آن چه را که برای انسان سود و نفع دنیوی - نه اخروی - دارد، می‌پذیرد و آن چه را که سود دنیوی نداشته باشد، رد می‌کند. اومانیسیم در قرن ۱۸ و ۱۹ اعتقادی به خدا نداشت، اما کم‌کم در قرن بیستم به این نتیجه رسیدند که اعتقاد به خدا برخی نیازهای دنیوی ما را مانند نیاز به خارج شدن از حالت تنهایی یا حل مسئله مرگ، برطرف می‌کند. اومانیسیم به معنای اصالت انسان و ارزش گذاشتن به انسان نیست، بلکه یعنی غایت همه چیز نفع دنیوی انسان است. بنابراین، مدرنیته، از جهت تکیه بر اومانیسیم، نیز با دین و دینداری درگیری دارد.

۳. مبنای اقتصادی: در مبنای اقتصاد مدرنیسم و مدرنیته، اصل سود مادی انسان است؛ یعنی سرمایه و کار. مدرنیته همه چیز را برای کالا و سرمایه می‌داند و تلاش می‌کند تا سرمایه و پول افزایش پیدا کند. (خسروپناه، ۱۳۸۰)

۴. تجربه‌گرایی: یعنی توجه و اهتمام ویژه به شیوه تجربه برای مطالعه و بدون توجه به امور فلسفی و برهانی

۵. لیبرالیسم: به معنای آزادی‌خواهی خارج از چهارچوب دین.

۶. رفاه و زندگی شهری: یعنی بالا رفتن سطح زندگی مادی و رفاه و اشاعه فرهنگ شهرنشینی.

۷. رشد فناوری: توجه به رشد بی‌سابقه فناوری در تولیدات صنعتی و به‌روز شیوه‌های نو در تولیدات صنعتی.

۸. دموکراسی یا برابر‌گرایی: یعنی باور به اینکه همه انسان‌ها از هر نژاد و جنسیت و دین و مذهبی که باشند، از هر نظر مساویند و قوانین و مقررات توسط اکثر مردم بدون هیچ اصولی بر مبنای خواسته‌های مادی و منفعت‌طلبی در امور دنیوی اجرا می‌گردد.

۹. فرد‌گرایی یا اصالت فرد: یعنی اعتقاد به تقدم فرد بر جامعه، به این معنا که همه چیز نه فقط در خدمت انسان، بلکه در خدمت فرد انسانی است. در این تفکر حق اولاً و بالذات مربوط به فرد است؛ لذا خواسته‌ها و امیال فرد را نمی‌توان به نفع جمع محدود کرد.

۱۰. مادی‌گرایی (ماتریالیسم): تقدم و اصالت امور و منافع مادی بر امور غیر مادی، به

این معنا که تنها ماده و آنچه از آن بوجود می‌آید از واقعیت و اصالت برخوردار است.

۱۱. سنت ستیزی: یعنی مخالفت با هر عرف دیرینه و آداب و رسوم، مگر آن آداب و رسومی که با بازناندیشی‌ها و معیارهای مدرن سازگاری داشته باشند.

۱۲. سکولاریسم: یعنی حاکمیت فرد علمی و غیر دینی، و به تبع آن منزوی شدن اقتدار دینی از عرصه‌های اجتماعی، و به طور کلی شیوع یک فرهنگ مادی و این جهانی و استفاده از روش علوم تجربی در همه عرصه‌های معارف بشری و در تمام شئون زندگی. (بیات، ۱۳۸۶)

### سبک زندگی اسلامی و تمایز آن با سبک زندگی مدرنیته

سبک زندگی هر فرد و جامعه متأثر از نوع باورها (جهانبینی) و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه است. مشخص است که جهانبینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند. همان‌طور که جهانبینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند.

سبک زندگی از دیدگاه اسلام، به مجموعه‌ای از موضوعات مورد قبول اسلام در عرصه زندگی اشاره دارد که بر اساس آن، معیار رفتار ما باید مبتنی بر اسلام و آموزه‌های اسلامی باشد. خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهم‌ترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است. در این سبک زندگی، غایت آموزه‌های دینی رهایی از سبک زندگی غیراسلامی و رسیدن به حیات طیبه می‌باشد که ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است. در این سبک از زندگی، انسان به طور طبیعی مدلی را که بیشترین هماهنگی را برای دستیابی به قرب الهی داراست، در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب می‌داند و تقرب به خدا و لقاء الله را هدف نهایی خود می‌بیند؛ از این رو، همه شئون زندگی خود را؛ از نماز و عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می‌دهد. (افشانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۵)

در اسلام، سبک زندگی بر اساس سه محور اعتقادات، اخلاقیات و وظایف عملی



(عبادات) استوار است.

الف) اعتقادات: اصول اعتقادی اسلام یعنی ایمان و عقیده به توحید، نبوت و معاد. این سه اصل، شالوده دیانت اسلام را تشکیل می‌دهند.

ب) اخلاقیات: یعنی مسلمان ویژگی‌های درونی و روانی خود را به گونه‌ای بسازد که با کلیت این سیستم مفهومی هماهنگ و منطبق باشد. شاید محکم‌ترین تعبیر قرآن در این زمینه همان تقوا باشد که می‌توان آن را «ترس آمیخته با احترام از خداوند» معنا کرد.

ج) وظایف عملی و عبادات: از آن جایی که پیام اصلی اسلام، توحید است و یکی از مراحل آن، توحید در عبادات است، پس از قبولی قلبی و اقرار زبانی به اصول فوق، باید عمل به ارکان را مکمل موجود بودن شمرد. عبادات یا وظایف عملی، بخش مهمی از مجموعه اعمال و رفتارها را تشکیل می‌دهد که در فرهنگ اسلامی به عنوان فروع دین شناخته شده است و در کنار اصول دین قرار دارد.

اسلام دین کاملی است و همه پیامبران الهی و همه کتب آسمانی را پذیرفته است (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رَسُولِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رَسُولِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ / بقره آیه ۲۸۵) پیامبر به آنچه از پروردگار به او نازل شده، ایمان آورده، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش، ایمان آورده‌اند [و بر اساس ایمان استوارشان گفتند: ما میان هیچ یک از پیامبران او فرقی نمی‌گذاریم و گفتند شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا آمرزشت را خواهیم و بازگشت [همه] به سوی توست.

اسلام بر پیشرفت‌های علمی و صنعتی تأکید دارد و به فراگیر علوم مفید اهمیت می‌دهد و به اندازه نیاز آن را واجب می‌داند و امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوری‌ها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته [است] که در پیشرفت تمدن بشر دخالت دارد، هیچ‌گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد، بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است (نصیری و دیگران، ۱۳۹۴، صفحه ۹۷)

بر این اساس، تعالیم اسلام تمام وظایف زندگی را پوشش می‌دهد و سبک زندگی

برگرفته شده از آن، سبک زندگی ایده‌آل و مطابق با فطرت بشریت است.

## الف. مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

برخی از شاخص‌های فردی سبک زندگی اسلامی عبارتند از: تقواگرایی و خدامحوری.

### ۱. تقواگرایی و توحیدمحوری

تقوا به معنای عام کلمه لازمه زندگی هر فردی است که می‌خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل زندگی کند و از شاخص‌های معینی پیروی نماید. تقوای الهی یعنی این که انسان خود را از آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده، خطا، گناه، پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود. تقوا در درجه اول و به طور مستقیم از ناحیه اخلاقی و معنوی به انسان آزادی می‌دهد و او را از قید رقیبت و بندگی هوا و هوس آزاد می‌کند، رشته حرص، طمع، حسد، شهوت و خشم را از گردنش برمی‌دارد، ولی به طور غیرمستقیم در زندگی اجتماعی هم آزادی‌بخش انسان است. رقیت‌ها و بندگی‌های اجتماعی نتیجه رقیت معنوی است. آن کس که بنده و مطیع پول و یا مقام است نمی‌تواند از جنبه اجتماعی، آزاد زندگی کند.

با توجه به این که منشأ بیشتر گرفتاری‌های هر کسی خود اوست و هر کسی خودش بالاترین دشمنان خودش است و هر کسی خودش سرنوشت خود را تعیین می‌کند، غالب رفتارهای هر کسی با خودش خصمانه است. اغلب گرفتاری‌هایی که برای ما پیش می‌آید از خارج نیامده، خودمان برای خودمان درست کرده‌ایم. با توجه به اینها خوب واضح می‌شود که سلاح تقوا چه اندازه مؤثر است در این که انسان را از فتنه‌ها دور نگه می‌دارد، به فرض این که در فتنه واقع شد تقوا او را نجات می‌دهد (آذر شب و میر مرادی، ۱۳۹۳: ۶)

### ۲. علم و دانش

علم و دانش در اسلام اهمیت بسیار دارد که اولین آیات نازل شده بر پیامبر اسلام (ص) با آن آغاز شده است (۱) و خداوند متعال درجه و رتبه دو گروه را بالا برده است (۲) (يُرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ) و آنان مؤمنین و دانشمندان

هستند. پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز در مقام مبلغان دین، مسلمانان را مکلف می‌دانند که دانش را حتی در دورترین نقاط فرا گیرند. علم و دانش اعتقادات دینی را استدلالی و راسخ می‌گرداند و پایه‌های دینی و باورهای عقل و سنت‌های الهی را محکم می‌کند. نقش علم در کاهش زندان‌ها، قتل، غارت، مواد مخدر، قاچاق، تصادفات، بیماری‌ها، طلاق و مانند آن بسیار مؤثر است و در افزایش امنیت، قدرت، استقلال.

### ۳. تفکر

یکی از شاخصه‌های مهم سبک زندگی فردی معرفت و تفکر است، زیرا بعد از تفکر و معرفت حرکت صورت می‌گیرد. ما برای این تفکر و اندیشه نیاز به دانش داریم و در اسلام اهمیت فراوانی برای دانش قائل شده‌اند، این خود یکی از شاخص‌های سبک زندگی است که چه چیزی را و از چه چیزی فرا بگیریم. انسان برای فهم سبک زندگی باید ابتدا خود را بشناسد، باید ویژگی‌ها و ظرفیت خود مانند فطرت انسانی‌اش را بشناسد و به دنبال رفع نیازهای فطری‌اش باشد. همچنین مهم‌ترین موضوعی که انسان در تعامل با خود در نظر گرفته، توجه به خود و تفکر و تدبیر در وجود انسان است. امام علی (ع) فرمودند: هیچ خیری نیست در عبادتی که تفکر در آن نباشد؛ اولین قدمی که برمی‌داریم دستیابی به معرفت و شناخت نسبت به خود است و به طور قطع کسی که خودش را شناخته خدا را می‌شناسد. در نگاه امام حسین (ع)، فرد مؤمن برای رسیدن به خداوند، از ابزارهای گوناگون کمک می‌گیرد. او برای تقرب به خدا، از شناخت خود شروع می‌کند و برای شناخت خود، ملاک دارد نه احساس. معیارهای فرد با ایمان، قوانین محکم و روشنی است که از پروردگارش به او رسیده است. فرد با ایمان، خود را تنها نمی‌بیند و دست خالی هم نیست. این سخن امام حسین (ع) گویای جان کلام است: «به راستی مؤمن، خدا را نگهدار خود از گزندها و گناهان و گفتار او - قرآن - را آینه خود گرفته است؛ گاهی - در این آینه - به اوصاف مؤمنان می‌نگرد و گاهی به اوصاف گردن‌کشان می‌نگرد و در آن، نکته‌ها می‌بیند و خود را شناسایی می‌کند و به هوشیاری خود یقین می‌کند و به پاکی خود اطمینان می‌یابد» (همان منبع) (۱) **اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اِقْرَأْ وَرَبُّكَ** **الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)**

#### ۴. قوانین دینی

قوانین و مقررات دینی که برگرفته از قرآن کریم و آموزه‌های نبوی و معصومین و اجماع فقهاء و عقل است، همه ابعاد زندگی و دقائق حیات فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی را شامل می‌شود و برای انسان از تولد تا مرگ و برای آخرت برنامه دارد و آن چنان کامل است که برای همه زمان‌ها مفید و قابل استفاده است به عنوان مثال علم و دانش، کار کردن، رعایت بهداشت، هدیه دادن، امانت‌داری، احسان، عدالت و کمک به مظلوم همیشه خوب است و شرک، کفر، نفاق، ضلالت، گمراهی، دروغ و ظلم همیشه بد است و مانند زرتشت و امثال آن نیست که به کردار نیک و گفتار نیک و پندار نیک بسنده کرده باشد و هر فردی هر کاری انجام می‌دهد اسمش را نیک بگذارد مثلاً فردی آب خوردن را نیک می‌داند و فرد دیگر مشروب خوردن را نیک می‌داند و یا فردی کمک به فقراء را نیک می‌داند و دیگری کمک نکردن را یکی کمک کردن به مظلوم را نیک می‌داند و دیگری بی تفاوتی را نیک می‌داند و وقتی در جرمی همه اتفاق نظر داشتند مثلاً دزدی ظلم است مجازاتی برای آن نیست.

#### ۵. الگوی ولایت مدار

قرآن کریم سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را الگویی برای زندگی مسلمانان قرار داده است: **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا** (احزاب ۲۱)

به یقین برای شما در (روش) فرستاده خدا (الگویی برای) پیروی نیکوست، برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶)

انسان مسلمان هم قانون همه‌جانبه دارد و هم الگوهای کامل و معصوم که جزء اصول دین و جهان بینی اوست که هدف از زندگی و مسیر او را مشخص می‌کند. آن چنان مغناطیسی دارد که انسان را سریع‌تر به مقصد می‌رساند، از انحرافات نجات می‌دهد، به توفیقات او می‌افزاید و او را به کمال می‌رساند. **(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)** (نساء ۵۹)

ولایت به معنای حاکمیت و سرپرستی دیگران است. ولی یا حاکم جامعه کسی است

که اجازه تصرف در امور دیگران را دارد. از آنجا که همه انسان‌ها در خلقت برابرند اصل این است که کسی را بر دیگری فرمانروایی نیست و هیچ کس اولاً و بالذات حق تصرف در نفوس و امور دیگران را ندارد. این تصرف تنها با کسی است که از طرف خدا اجازه داشته باشد. همه می‌دانیم که مالک اصلی خداست.

اساساً فلسفه بعثت انبیای عظام در توجه دادن انسان‌ها به همین اصالت الله و عبادت خداوند متعال و اجتناب از هر گونه طاغوت و عبودیت انسان و شهوات و دنیا بود (ولا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله)، (آل عمران ۶۴)

## ۶. عدالت محوری و رعایت حقوق مظلومان و مستضعفان

اسلام دین عدالت و مساوات و مکتبی استکبار ستیز است. پیام‌های ضد استکباری و ضد استبدادی قرآن کریم اعتبار مترفین را نشانه می‌گیرد و اشراف‌گری و استعمارگری را طرد کرده، دفاع از مظلوم در برابر ظلم و گرسنه در برابر سیر را عامل رشد جامعه می‌داند. بنابراین قرآن کریم ضمن ظلم‌ستیزی و استکبارزدایی، جامعه‌ی اسلامی را به قسط و عدل رهنمون می‌سازد و مسلمانان را به حمایت و دلجویی از فقرا و مستضعفان فرا می‌خواند و استراتژی جامعه اسلامی را در برپایی عدالت مشخص می‌کند و در پایان سیطره مستضعفان در جهان را وعده می‌دهد.

و ما اراده کرده ایم بر کسانی که در زمین به ضعف و زبونی کشیده شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان (روی زمین) قرار دهیم.<sup>۱</sup>

همانا ما پیامبرانمان را با معجزات و دلایل آشکار فرستادیم و همراه آنان کتاب (آسمانی) و وسیله سنجش فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند.<sup>۲</sup>

بدین وسیله قرآن با آموزه‌های پرفراز راه رقابت غیر صحیح را بر بشر بسته، از آنها می‌خواهد گوی سبقت تقوا از یکدیگر را برابیند و حرص و آز خویش را ترک گفته، تقوا پیشه سازند که بهترین وسیله برای رسیدن به قرب و رضای خداست. (جان احمدی، ۹۷)

## ۷. آزادی

۱. وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

۲. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

آزادی به معنای قدرت انتخاب، قدرت عمل و توانایی ترک عمل است یعنی انسان از موانع بیرونی و درونی در انجام عمل یا ترک آن رها باشد. طبیعا آزادی در دو زمینه مطرح است: ۱. آزادی از ۲- آزادی برای؛ یعنی در مرحله اول انسان از موانع سر راه خود رها باشد و در مرحله دوم، هدف و منظور از آزادی خود را تحقق بخشد.

موانع آزادی مختلف‌اند، هواهای نفسانی، طاغوت‌های بیرونی، خرافات مذهبی و اجتماعی، احساسات غیراخلاقی، وسوسه‌های شیطانی و یا دولت، مکاتب و نهادهای اجتماعی؛ هدف از آزادی نیز متفاوت است.

آزادی برای خدمت، برای عبادت، برای بیان معارف ناب و کوبیدن هواها و شیطان درونی و طاغوت‌های بیرونی به منظور رسیدن به سرچشمه نور و رهایی از ظلمت و یا رسیدن به شهوات، مقام و ثروت‌های نامشروع.

در جامعه و تمدن نبوی، آزادی و آزادگی از ویژگی‌های برجسته است.

معرفت ناب توحیدی، تلاوت آیات الهی و تعلیم آیه‌های نورانی وحی انسان را از اسارت هواهای نفسانی، شهوات و زنجیره‌های طواغیت بیرونی، استبداد و استکبار رهایی می‌بخشد. عقل و اندیشه را از کمند شهوات خارج می‌کند، در فضای آزاد نور و عرفان و نعمات الهی به پرواز در می‌آورد. نفس انسان را قدم به قدم به سوی کمال رهنمون می‌شود، مانع از تجاوزات نفس اماره می‌گردد، نفس لوامه را تقویت نموده و سرانجام با درک مضرات ولنگاری و سود کمال انسانی، آدمی را به قله رهایی نفس مطمئنه و حیات طیبه می‌رساند. (مظفری، ۱۳۸۵)

## ۸. آخرت‌گرایی

آخرت‌گرایی در بخش بینشی به معنای اعتقاد و در بخش گرایشی به معنای گرایش قلبی به زندگی پس از مرگ (معاد) است. آخرت‌گرایی اگر به معنای بی توجهی به زندگی این دنیایی باشد، در سبک زندگی اسلامی جایی ندارد؛ ولی اگر به معنای این باشد که زندگی این جهانی مقدمه‌ای بر زندگی آن جهانی است، مورد تاکید آموزه‌های دینی و اسلامی است. با توجه به آموزه‌های انعطلف‌پذیر قرآن، در اسلام هیچ تعارضی بین دین و دنیا نیست و در نتیجه رهبانیت، عزلت (گوشه‌نشینی) و ترک دنیا در اسلام جایگاهی ندارد. اعتقاد داشتن یا نداشتن به آخرت و معاد می‌تواند در سبک زندگی هر فردی تأثیرگذار باشد.

## نتیجه گیری

مدرنیته به علوم تجربی پرداخته و معرفت‌شناسی و پیشرفت و سود را در تسلط به مادیات می‌داند و در زمینه تکنولوژی و صنعت دستاوردهایی داشته است و گرچه آسیب‌هایی هم به انسان و جهان وارد کرده است و دو قسمت انسان و کمالات انسانی والهی بودن انسان را رها کرده است. زندگی از نظر مدرنیته منحصر در دنیاست و به امور معنوی والهی توجه جدی ندارد و در انتخاب انسان و قوانین خداوند متعال انسان محوری را ترجیح می‌دهد و به سعادت اخروی و زندگی جاودانه و حقیقی و توجهی ندارد.

می‌توان گفت که اصول و آموزه‌های اسلامی با مدرنیسم مخالفتی آشکار دارد. بنابر جهان‌بینی مدرنیسم، راه دریافت حقیقت در همه حوزه‌های معرفتی، تنها تجربه و حس است. مدرنیسم برای شناخت طبیعت بیش از اندازه به روش تجربی اهتمام می‌ورزد و آن را حتی در عرصه‌های دیگر نیز تعمیم می‌بخشد. این زیاده‌روی با توجه به اینکه توانایی روش تجربی تنها منحصر در عالم طبیعت و ماده است، موجب شده است که درک درستی از مجموعه نظام هستی به دست نیاید و راه برای تردید در معارفی همچون معارف پیامبران گشوده گردد.

میان اصول، و آموزه‌های اسلامی با عناصر مدرنیته چون علوم تجربی، مادی‌گرایی، انسان محوری، فردگرایی، سرمایه‌داری، فرهنگ این جهانی و دنیوی و با نگرش اخلاق در محدوده مادیات نمی‌توان هیچ گونه سازگاری، خویشاوندی و تناسبی برقرار ساخت.

اسلام استفاده از علوم تجربی را بلا اشکال می‌داند، ولی با پی‌ریختن و پرداختن یک جهان‌بینی بر اساس این نوع علوم موافق نیست، زیرا پی‌ریزی یک جهان‌بینی بر اساس این نوع علوم بی‌تردید به مادی‌گرایی و دنیازدگی می‌انجامد، و مستلزم انکار یا تردید یا بی‌اعتنایی به جهان ماوراء طبیعت و غیب می‌شود، در حالی که اعتقاد به عالم غیب از امور اولیه دینی و از شرایط ایمان است. لذا میان اصول، مؤلفه‌ها و آموزه‌های اسلامی با عناصری چون علم‌گرایی، مادی‌گرایی، انسان محوری، فردگرایی، سرمایه‌داری، فرهنگ این جهانی و دنیوی، نسبت افراطی در اخلاق و غیره نمی‌توان هیچ گونه سازگاری، خویشاوندی و تناسبی برقرار ساخت.

مدرنیته آسیب‌ها زیادی به انسان و کرامت انسانی و خانواده رسانده است و باعث بحران، خشونت، جنگ، استثمار و آسیب‌های اجتماعی شده است.

بنابراین مدرنیته و مدرنیسم با این اصول و مؤلفه‌ها، به هیچ وجه مورد تایید اسلام نیست. و در

بخشی از امور دنیوی سازگار است

## فهرست منابع

قرآن کریم

۱. افشار کهن، جواد، (۱۳۸۹ش)، بازخوانی جامعه‌شناختی سنت‌گرایی و تجددطلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران: آوای نور، دوم.
۲. افشانی، سید علیرضا و دیگران، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال هشتم، شماره ۱۴، صفحه ۸۳ - ۱۰۳.
۳. آذرشب، معصومه و میر مرادی، عیسی، (۱۳۹۳)، شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در هزاره سوم دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد کتول، صفحه ۱ - ۱۲.
۴. آذرننگ، عبدالحسین، (۱۳۷۶ش)، مدرنیته و پست مدرنیته و تمدن غرب، مجله نگاه‌نو، شماره ۳۵.
۵. آذربورن، پیتر، (۱۳۸۰ش)، مدرنیته: گذار از گذشته به حال، ضمن کتاب «مدرنیته و مدرنیسم»، ترجمه و تدوین: حسین علی‌نوذری، تهران: انتشارات نقش جهان، یکم فصل سوم: ص ۶۳-۷۸.
۶. پورکریمی، اسلام، (۱۳۸۳)، اعتدال و میانه‌روی در اسلام، ماهنامه شمیم یاس، سال چهارم، شماره ۱۴، صفحه ۶ - ۸.
۷. پیامدهای مدرنیته، (۱۳۷۸) آنتونی گیدنز، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات نی.
۸. جابری مقدم، مرتضی هادی، (۱۳۸۴) شهر و مدرنیته، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۶.
۹. جان‌احمدی، فاطمه، (۱۳۹۷) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ ۴۶، قم، دفتر نشر معارف، ص ۶۸.
۱۰. جمالی، مصطفی، (۱۳۸۴)، دین و مدرنیته، چاپ اول، چاپ برهان قم، ص ۲۴.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، ص ۱۵.
۱۲. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۸۰)، دینداری و تجددگرایی، نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۱۵،



موسسه فرهنگی طه.

۱۳. عبدالرسول بیات و همکاران، (۱۳۸۱) درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، چاپ اول، قم.

۱۴. دفتر تبلیغات اسلامی، نشریه نقد و نظر، ج ۵، ص ۱۹-۲۰.

۱۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۹۶)، سبک زندگی قرآنی (۱) مبانی و اصول عام سبک زندگی، قم، دفتر نشر معارف صفحه ۳۸.

۱۶. شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۱)، سبک زندگی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۳، صفحه ۴۹ - ۶۲.

۱۷. حسینعلی نوذری، (۱۳۷۹) صورتبندی مدرنیته و مدرنیسم، انتشارات نقش جهان، تهران، ۱۳۷۹.

۱۸. فاضلی، محمد، (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق، سوم.

۱۹. فاضلی، نعمت الله، (۱۳۸۳ش)، سبک زندگی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، یکم.

۲۰. اولیو راستگی و آلن بولک، (۱۳۷۸) فرهنگ اندیشه نو، جمعی از مترجمان، انتشارات مازیار، چاپ دوم، تهران، ص ۷۹۶.

۲۱. عبدالرسول بیات، (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه‌ها، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، قم، ص ۵۲۹-۵۳۸.

۲۲. کافی، مجید، (۱۳۹۷) سبک زندگی اجتماعی با تأکید بر آیات قرآن، چاپ اول، قم، ص ۱۲.

۲۳. کاویانی، محمد، (۱۳۹۴)، درسنامه ی سبک زندگی (با رویکرد تجویزی)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۴. کاویانی، محمد، (۱۳۹۶ش)، سبک زندگی خانوادگی از دیدگاه قرآن و مدرنیته، مجله تربیت اسلامی، شماره ۲۴.

۲۵. تدوین و ترجمه: حسینعلی نوذری، (۱۳۸۰) مدرنیته و مدرنیسم (مجموعه مقالاتی از ۱۵ نظریه پرداز غربی)، انتشارات نقش جهان، چاپ دوم.

۲۶. مظاهری، حسین / سید داریوش، رحیمی، (تابستان ۱۳۹۶) جمشید ابراهیم‌پور سامانی، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام - شماره ۶.
۲۷. مظفری، آیت، (۱۳۸۵) فصلنامه علمی ترویجی مریان، شماره ۲۱.
۲۸. بابک احمدی، (۱۳۷۷) معمای مدرنیته، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۷.
۲۹. معین، محمد، (۱۳۷۱ش)، فرهنگ فارسی معین، تهران موسسه انتشارات امیرکبیر، هشتم.
۳۰. میرساردو، طاهره، (۱۳۷۹ش)، فرهنگ جامع جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سروش، تهران، یکم.
۳۱. نصیری (رضی)، محمد و دیگران (۱۳۹۴) رهیافت تحلیلی به وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره) تهران دانشگاه آزاد اسلامی.
۳۲. محمد جواد لاریجانی، (۱۳۷۶) نقد دینداری و مدرنیسم، مؤسسه اطلاعات، تهران.
۳۳. نیازی، محسن و کارکنان نصرآبادی، محمد، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین دینداری و سبک زندگی شهروندان (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۶، صفحه ۲۱۳ - ۱۷۳.
۳۴. نیازی، محسن و کارکنان نصرآبادی، محمد، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین دینداری و سبک زندگی شهروندان (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۶، صفحه ۲۱۳ - ۱۷۳.

#### منابع انگلیسی

35. Chaney, David, (1994), The cultural, turn, New York: Routledge.
36. Sobel, Michael, (1981) Life style Expenditure in comtem porary American: Relations bet ween stratification and culture, American behavioral Scientist, vol. 26. No. 4, pp. 521-533.